

هفت جهان

برندگان جوایز «گرمی» ۲۰۱۶ معرفی شدند

اسکار موسیقی برای کندریک لامار



● **شرق**: پنجاه‌هشتمین دوره جایزه گرمی در حالی دوشنبه‌شب (بامداد سه‌شنبه به وقت ایران) در لس‌آنجلس برگزار شد که تیلور سوئیفت برای آلبوم «۱۹۸۹» جایزه بهترین آلبوم سال را از آن خود کرد. اما شگفتی‌ساز جوایز گرمی ۲۰۱۶ کسی نبود جز «کندریک لامار»، خواننده ۲۸ساله آمریکایی که با بردن پنج جایزه، برنده بزرگ این رویداد مهم موسیقی جهان لقب گرفت. این خواننده هیپ‌هاپ که با آلبوم «To Pimp A Butterfly» نامزد ۱۱ جایزه گرمی شده بود - از این جهت پیش‌تاز نامزدهای پنجاه‌هشتمین دوره این جوایز بود- در بخش‌های بهترین آهنگ رپ، بهترین اجرای رپ برای آهنگ «Alright»، بهترین همکاری رپ و بهترین موزیک‌ویدئو پیروز شد که جایزه آخر را برای «Bad Blood» به طور مشترک با سوئیفت گرفت. آلبوم رپر ۲۸ساله لس‌آنجلسی کاوشی در موسیقی سیاهان، سیاست در آمریکا و مشکلات شخصی‌اش اوست. در بخش بهترین آلبوم سال، «صدا + رنگ» از «الایاما شیکس»، «To Pimp A Butterfly» از «کندریک لامار»، «مسافر» از «کریس استاپلتون» و «زیانی در پس دیوانگی» از «ویکند» نامزد کسب جایزه بودند و در بخش بهترین آهنگ سال «دوباره می‌بینمت» از «وینز خلیفه»، «سبیل خوب» از «کندریک لامار»، «فضای خالی» از «تیلور سوئیفت» و «Girl Crush» از «لیتل بیگ تاون» دیگر نامزدها محسوب می‌شدند. اد شیران، خواننده بریتانیایی، برای ترانه «فکرکردن با صدای بلند» (Thinking Out Loud) برنده دو جایزه بهترین آهنگ سال و بهترین اجرای تک‌نفره پاپ شد. د ویکند، خواننده کانادایی که نامزد هفت جایزه گرمی شده بود، در دو بخش بهترین آلبوم معاصر شهری و بهترین اجرای ار آند بی پیروز شد. جایزه گرمی بهترین رگوردر سال به «Uptown Funk» از مارک رانسن و برنوو مارس رسید. «نمی‌توانم صورتم را حس کنم» (Can't Feel My Fac) از د ویکند و، «فضای خالی» (Really Love) از دانجلو و ونگار و «فکرکردن با صدای بلند» از اد شیران دیگر نامزدهای این بخش بودند. از سوی دیگر، «گل کمپبل: خودم خواهم بود» برنده جایزه گرمی بهترین موسیقی گردآوری‌شده برای رسانه تصویری شد. فصل یک سریال «Empire»، «پنجاه طیف خاکستری»، «شنش دانی» و «Pitch Perfect 2» «سلما» دیگر نامزدهای این بخش بودند. «بردمن» هم جایزه گرمی بهترین موسیقی متن برای رسانه تصویری را گرفت. «بردمن» برای دریافت این جایزه با «بازی تقلید»، «بین‌ستاره‌ای»، «نظریه همه‌چیز» و «ضربه شلاق» رقابت داشت. جایزه گرمی (در اصل: جایزه گرامافون) توسط آکادمی ملی علوم و هنرهای ضبط موسیقی، به دستاوردهای برجسته در تولید موسیقی تعلق می‌گیرد. از بین سه مراسم بزرگ موسیقی جهان، گرمی بزرگ‌ترین آنهاست. ارزش جایزه گرمی برابر با جایزه اسکار در صنعت فیلم‌سازی و جایزه امی در تلویزیون است.

«خیمره» لورکا به صحنه می‌رود

● **شرق**: نمایش «خیمره»، اثر «فردیکو گارسیا لورکا» با نگاهی متفاوت به این متن و به کارگردانی محسن خدري، در تماشاخانه دراما به روی صحنه می‌رود. محسن خدري که اولین تجربه کارگردانی خود را به روی صحنه می‌برد و خود از دانشجویان کارگردانی است، درباره فرآیند شکل‌گیری این نمایش می‌گوید: «گروه اجرایی در مرحله تحلیل متن، تمرکز خود را به جای تفسیر شخصیت‌ها و انگیزه‌های روان‌شناختی شان، روی مطالعه کنش‌ها و اتفاقاتی که شکل می‌دهند گذاشت. با مشخص شدن رئوس کلی، متوجه شدیم که کنش‌ها می‌توانند تداعی‌کننده بسترهای فرهنگی بسیاری (تاریخی، ادبی، بصری و عاطفی) بشود که در برگزیده مجموعه گفتارها و اعمال کاراکترهای نمایش نیز بود. از این رهگذر بود که توانستیم ارجاعاتی به مسائلی که دغدغه اعضای گروه بود بدهیم. علاقه‌مندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر، تهیه و رزرو بلیت به آدرس www.tik8.com مراجعه کنند.

آرش مدرسی، خبرنگار شرق، برلین: روز ششم جشنواره برلین با نمایش «من ترو هستم» رفیع پیتر آغاز شد؛ محصول مشترک آلمان و فرانسه و مکزیک که حرف‌های درگوشی منتقدان در برلین، پیش از نمایش، از شانس‌های عمده فتح خرس طلایی یا حداقل جایزه‌ای مثل بهترین‌نامه برای این فیلم حکایت داشت؛ اما پس از نمایش اولیه این فیلم برای منتقدان (که دقایقی پیش از نوشتن این خطوط و ساعاتی پیش از نمایش عمومی آن انجام شد) این شانس‌ها اگر پایین نیامده باشند، بالا نرفته‌اند. بیشتر منتقدانی که خبرنگار «شرق» با آنها صحبت کرد باوجود تعریف از بعضی نکات و جلوه‌های فیلم، دیدگاهی عموماً انتقادی داشتند. بسیاری آن را «زیادی طولانی» و «خسته‌کننده» می‌دانستند؛ گرچه همین‌ها نیز به زیبایی بعضی صحنه‌ها تأکید داشتند.

روند روایی فیلم رفیع پیتر البته جذابیت‌های خاص خودش را دارد. تم اسمال جشنواره، مهاجرت است و این نیز فیلمی است درباره مهاجرت و حرکت. قهرمان اصلی آن جوانی است بزرگ‌شده کالیفرنیا و احتمالاً مکزیکی؛ گرچه هیچ‌وقت داستان دقیق زندگی او یا محل تولدش را نمی‌فهمیم. در نکات جالب نحوه روایت فیلم، این است که ما این قهرمان را لحظه‌به‌لحظه دنبال می‌کنیم و هیچ‌وقت از مکان و اتفاقات سکانس بعدی خبر نداریم. یک لحظه با او اشرافی در بولی هیلز و لحظه‌ای دیگر او یونیفرم ارتش آمریکا را پوشیده و در افغانستان است. جالب اینجااست که تا وقتی مسافران افغانستانی و تایلوی «توقف» به زبان فارسی را ندیده‌اند نمی‌دانیم که این جوان در مرکز مکزیک و آمریکا است یا افغانستان. تحرک‌پذیری بسیار قهرمان فیلم، «نرو»، در میان داستانی که راجع به آنهایی است که حق تحرک ندارند، جلوه جالبی به داستان می‌بخشد.

اما اشکالی که در سایر فیلم‌های پیتر دیده‌ایم اینجاست پاپ‌راست، با اینکه زمینه اجتماعی و سیاسی مشخصی در پیش‌زمینه داستان وجود دارد، شخصیت‌ها انگار ورای آن حرکت می‌کنند و کاراکتر مشخص‌شان ساخته نمی‌شود. حتی وقتی سربازان سیاه‌پوست آمریکایی با هم‌قطاران مکزیکی و عرب خود بدرفتاری نژادی می‌کنند یا به همدیگر بر سر موضوعی رپ دو سوی مختلف آمریکا جدل می‌کنند، شخصیت‌پردازی انجام نمی‌شود. فیلم‌ها پیتر به نظر از اقتی رایج رنج می‌برند، صحنه‌های پرزرق‌وبرق و زیبا اما بدون پی‌رنگ درخرو اعتنا یا کاراکترهای قوی. با این حساب بعید است جایزه بهترین فیلم‌نامه امسال به پیتر برسد. دیگر فیلم بخش مسابقه، فیلم چینی «جریان مخالف رود» نیز در روز پنجم بخش شد و

می‌توان به جرئت گفت هیچ شانس‌ی ندارد. خبرنگار «شرق» که پس از گذشت یک ساعت از فیلم از سالن سینما بیرون آمد. بسیاری منتقدان حتی پیش از او این‌کار را کردند و حرف‌های تندى در نقد کنند و بی‌سرزوتی فیلم زدند. البته شاید اگر کسی دلبستگی به ادبیات چین داشته باشد، از شعرهایی که در میان نماه‌های زیبای رود یانگ‌تسه و قایق‌رانان آن روایت



عکس: Gettyimages

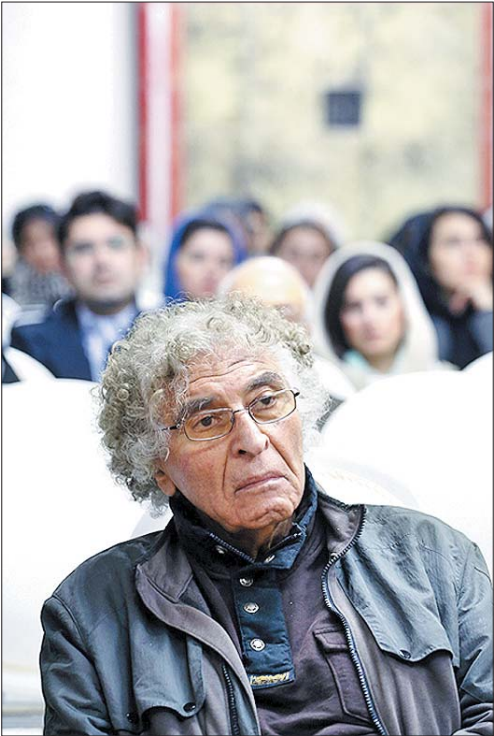
حاشیه‌نگاری جشنواره

رسانه‌ها معمولاً با یکی، دو روز تأخیر متوجه فیلم‌ها می‌شوند و «لاتوری» همچنان بعضی توجه‌ها را به خود جلب می‌کند. تلویزیون «ان‌تی‌وی» آلمان در اشاره به فیلم‌های خاورمیانه‌ای امسال اشاره‌ای گذرا به این فیلم ایرانی کرد و البته بیشتر توجه خود را معطوف به کمدی «پرکت با برکت دیدار می‌کند» کرد که به‌عنوان اولین فیلم عربستان سعودی که به جشنواره‌ای راه می‌یابد شناخته شده است («شرق» گفت‌وویی اختصاصی با کارگردان این فیلم، محمود صباغ، انجام داده که به‌زودی منتشر می‌شود). با این حال یکی از منتقدان آلمانی به «شرق» گفت گرچه «لاتوری» بهترین فیلم درمیشیان نیست اما «او را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فیلم‌سازان صحنه سینمای ایران تثبیت می‌کند». «بازار فیلم اروپا» نیز لحظه به لحظه داغ‌تر می‌شود و خریداران که دنبال محصولات می‌روند، آدم یاد فصل خرید و فروش بازیکنان فوتبال می‌افتد. حوزه هنری، سوره، بنیاد فارابی و سایر غرفه‌های مربوط به سینمای ایران نیز جزء موردتوجه‌ترین‌ها هستند. تلاش یک شرکت پخش‌کننده آلمانی برای فروش سریال «شهرزاد»، در جشنواره‌ای که برای اولین‌بار به نمایش چند سریال تلویزیونی در میان فیلم‌ها پرداخته نیز موردتوجه خیلی منتقدان قرار گرفته است. این در حالی است که بعضی کشورها پول‌های خیلی بیشتری خرج می‌کنند. مثلاً روز چهارشنبه قرار است ۸۰ تهیه‌کننده اروپایی از اولین سمینار سینمایی «چین و اروپا» در بازار دیدار کنند درحالی‌که فیلم‌های چینی امسال توجه چندانی به خود جلب نکرده‌اند. در زمینه خرس طلایی، در این مرحله «آتش در دریا»، مستندی که قبلاً درباره آن نوشتیم، به نظر منتقدان بیشترین شانس را دارد. «ویژه نیمه‌شب» (آمریکا، جف نیکولز)، «هادی» (تونس، محمد بن‌عطیه)، «چیزهایی که می‌آیند» (فرانسه و آلمان، میا مانسن لاو) در رتبه‌های بعدی شانه به شانه یکدیگر هستند. البته باید منتظر واکنش رسمی منتقدان به «من ترو هستم» و همچنین بخش فیلم هشت‌ساعته «لالایی اسرار غمبار» (فیلیپین، لاو دپاز) باشیم که شاید فاتح جایزه آلفرد باز (برای فیلمی که چشم‌اندازی جدید می‌گشاید) باشد. در زمینه بازیگری نیز بسیاری منتظر بخش «ایالات متحده عشق» هستند که می‌گویند بازیگران زن در آن درخشیده‌اند و جایزه بازیگر مرد را شانس مجد مستوره، بازیگر مرد «هادی»، می‌دانند.

می‌توان به جرئت گفت هیچ شانس‌ی ندارد. خبرنگار «شرق» که پس از گذشت یک ساعت از فیلم از سالن سینما بیرون آمد. بسیاری منتقدان حتی پیش از او این‌کار را کردند و حرف‌های تندى در نقد کنند و بی‌سرزوتی فیلم زدند. البته شاید اگر کسی دلبستگی به ادبیات چین داشته باشد، از شعرهایی که در میان نماه‌های زیبای رود یانگ‌تسه و قایق‌رانان آن روایت

گزارش نشستی با حضور اسماعیل پور و دارش

عربشاهی به زبان جهانی رسیده است



است. در کار او همواره شاهد چالش مدرنیته و سنت هستیم البته فقط خود او می‌داند چگونه این کار را انجام داده است».

پس از آن اسماعیل‌پور درباره اسطوره و فضای ایرانی در زمانه‌ای که عربشاهی آثارش را آغاز کرد، گفت: «در دهه ۴۰- ۵۰ دو جریان مدرنیته و سنتی پایه‌پای هم شکل گرفت. درواقع عربشاهی، زاده چنین بستری است که هنر سنتی و به‌بن‌های تاریخی و کهن را نقب می‌زند اما هنرمندان سنتی در همان فضا ماندند. در دهه ۴۰- ۵۰ دغدغه و شروع توجه به اسطوره در بین تمام عرصه‌ها شکل گرفت. اولین کتاب اسطوره‌شناسی در دهه ۵۰ نوشته شد و قبل از آن کتاب اسطوره‌های گیلکمش در دهه ۴۰ منتشر شد. اما این نشان می‌دهد نیاز به توجه و اسطوره‌پردازی و اسطوره‌سازی در هنر چقدر اهمیت دارد و هنرمندانی در این عرصه موفق شدند که این نیاز را درک کردند».

او با بیان اینکه آغاز آثار عربشاهی در اسطوره‌ها ریشه دارد، بیان کرد: «شروع آثار او اسطوره‌پردازی و توجه به دست‌مایه‌های اساطیری ایران باستان است که نمی‌دانم از طریق مطالعه به اینجا رسیده است یا خیر؟ در دهه ۴۰ هیچ کتاب اسطوره‌ای وجود نداشته است و نمی‌توان گفت او خیلی بر مبنای مطالعه کار کرده است. اهمیت کاربرد اسطوره در هنر ۳۰

داشته باشد اما به‌هیچ‌عنوان در قامت یک فیلم ظاهر نمی‌شود. دیدن آن این سؤال را به ذهن می‌آورد که آیا کارگردان با تجربه‌ای مثل دیویس نمی‌داند که روایت خطی زندگی دیکینسون با پخش صدای خواندن اشعار او برای ساختن یک فیلم کافی نیست؟ حیف دیالوگ‌های نغز و زیبایی که هرچند وقت یک‌بار از آنها لذت ببریم و خندیدیم اما هرگز در خدمت فیلم به‌متایه کل قرار نگرفتند.

«تنها در برلین»، ساخته وینسنت پرز، براساس یک داستان محبوب آلمانی، دیگر فیلم بخش مسابقه بود که در روز پنجم به نمایش درآمد. این فیلم که داستان کلاسیکی درباره جنگ جهانی دوم و مخالفت خانواده‌ای با نازی‌ها دارد اولین فیلمی بود که در پایان «هو» شد. آیا خسته‌شدن منتقدان و تماشاگران از فیلم‌هایی با تم این‌چنینی که هیچ چیز غریقابل پیش‌بینی در آنها پیدا نمی‌شود علت این «هوکردن» است؟

اما بیرون از بخش مسابقه، بخش «پانوراما» ی جشنواره برلین هم خیلی توجه‌ها را به خود جلب می‌کند. روز پنجم شاهد اولین نمایش جهانی «راه استانبول»، ساخته رشید بوشارب و محصول مشترک فرانسه، بلژیک و الجزایر بود. این فیلم داستان سوری بلژیکی است که به دنبال دختری که به گروه تروریستی داعش پیوسته، عازم ترکیه می‌شود؛ اما آخرین ساخته این کارگردان الجزایری با وجود انتخاب موضوعی به‌روز و طبعیاً جذاب جزء موفق‌های امسال حساب نمی‌شود. خط داستانی فیلم هیچ پیچ‌وخمی ندارد و با وجود اینکه تنها ۱۰۰ دقیقه است، بیشتر تماشاگران را مجبور می‌کند به ساعت‌شان نگاه کنند و حتی شاید نگران سرنوشت دختر فیلم نباشند. آخرین ساخته این کارگردان الجزایری با وجود انتخاب موضوعی به‌روز و طبعیاً جذاب جزء موفق‌های امسال حساب نمی‌شود. خط داستانی فیلم هیچ پیچ‌وخمی ندارد و با وجود اینکه تنها ۱۰۰ دقیقه است، بیشتر تماشاگران را مجبور می‌کند به ساعت‌شان نگاه کنند و حتی شاید نگران سرنوشت دختر فیلم نباشند. مجهول‌نگاه‌داشتن رابطه مادر و دختر و آنچه باعث سرسختی مادر در دنبال او رفتن می‌شود لازم نیست به خودی‌خود نکته‌ای منفی باشد؛ اما به‌هیچ‌وجه در خدمت داستان قرار نمی‌گیرد. در نتیجه نه سرسخی مادر را باور می‌کنیم و نه خوش‌شانسی‌های او را.

آنچه می‌توانست این فیلم را نجات دهد خط داستانی جذاب‌تر یا ساختن یک یا چند زیرپی‌رنگ بود که شاهد هیچ‌کدام نیستیم. اما از نکات مثبت فیلم بازی‌های خوب آن هستند. آسترید بوتال بلژیکی در نقش اصلی عملکردی زیبا دارد و به نظر می‌رسد چیزی از آنچه در فیلم‌نامه بوده به فیلم داده. نقش دختر جوان جهادی‌شده را پائولین برله بازی می‌کند. این بازیگر ۹ساله بلژیکی را از «گذشته» اصغر فرهادی می‌شناسیم که در آن نیز نقشش ارتباطی با خاورمیانه داشت؛ گرچه در قامتی بسیار متفاوت. «شرق» گفت‌وویی اختصاصی با برله انجام داد که در روزهای آینده منتشر می‌شود.

چهار روز

آهنگ‌ساز ایرانی
در سیاتل آمریکا درخشید



● **شرق**: قطعه فانتزی برای ارکستر و ستور و آکاردئون به آهنگ‌سازی علیرضا متوسلی در مسابقه آهنگ‌سازی Celebrate Asia برگزیده شد. این مسابقه سپتامبر ۲۰۱۵ در سیاتل آمریکا برگزار و قطعه «فانتزی» برای ارکستر بزرگ و سنستور و آکاردئون» متوسلی به‌عنوان اثر برگزیده شناخته شد. حال به تصمیم شورای برگزارکننده مسابقه، قرار است این قطعه ۳۱ ژانویه ۲۰۱۶ (۱۱ بهمن) در تالار بانربو سیاتل به همراه دو سولیست اجرا شود. این قطعه شامل دو سولیست ستور و آکاردئون است. نوازنده ستور آنجلی جاشی از هند و نوازنده آکاردئون مرل آن سندرز از آمریکا هستند.

همچنین جیندونگ کای رهبری این کنسرت را بر عهده خواهد داشت. علیرضا متوسلی، فارغ‌التحصیل رشته موسیقی گرایش رهبری ارکستر، هم‌اکنون به‌عنوان نوازنده فاگوت و آهنگ‌ساز با ارکستر سمفونیک تهران و سمفونیک صدا و سیما همکاری دارد. این آهنگ‌ساز ایرانی شخصاً از سوی لودویگ مارلوت، مدیر هنری ارکستر سیاتل سیمفونی موردتقدیر و تحسین قرار گرفته و طبق صحبت‌های انجام‌شده برای اجرای دوباره این اثر در آوریل ۲۰۱۶ انتخاب شده است. ارکستر سیاتل سیمفونی واقع در شهر سیاتل ایالت واشنگتن یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین ارکسترهای آمریکا و همچنین در بین رده‌بندی سطح ارکسترهای دنیا از جایگاه بالایی برخوردار است. جیندونگ کای رهبر این ارکستر فارغ‌التحصیل رهبری ارکستر از دانشگاه استنفورد و استاد دانشگاه استنفورد و نیواگلند کانون ارکسترهای متعددی را در سراسر جهان رهبری کرده است.

زیر آسمان فیروزه ای

کامبیز درمبخش:

پاپ‌آرت یک تکرار خوشایند است



● **شرق**: پاپ‌آرت‌های ایرانی، میزبانی اولین نمایشگاه گالری ثالث را برعهده دارند. کامبیز درمبخش، یکی از هنرمندان حاضر در این نمایشگاه، معتقد است پاپ‌آرت یک تکرار خوشایند است.کامبیز درمبخش، طراح و کارتون‌بست پیش‌کسوت ایرانی، در نشست خبری که صبح دیروز، ۲۷ بهمن به مناسبت افتتاح گالری ثالث برگزار شد، گفت: «باید قبول کنیم اصل نقاشی ایران از خارج آمده است مثل بیشتر چیزهای دیگری که از خارج وارد شده است. نقاشی غربی در زمان صفویه شروع و بعد از آن مینیاتور ایران هم عوض شد و یک سبک جدید به‌وجود آمد. البته اروپایی‌ها هم از مینیاتور ما در آثارشان استفاده کردند مثلاً ماتیس یا پیکاسو از مینیاتورهای ما بهره خاصی می‌برند. همان‌طور که ما از خارجی‌ها استفاده کردیم آنها هم از مینیاتور ما استفاده کردند».او که در مورد اولین نمایشگاه این‌س گالری با عنوان «وات د پاپ» صحبت می‌کرد، گفت: «متأسفانه مینیاتور ایرانی از زمان ناصرالدین‌شاه دچار رکود شد و نقاشان ایرانی، نقاشی‌های مینیاتور را به رنگ و روغن تبدیل کردند. درواقع مینیاتورهای ایرانی رو به نقاش هستند و کیفیت‌های زیبایی ایرانی در آنها محو و نقاشی غربی وارد زندگی ما شد همچون پاپ‌آرت. پاپ‌آرت به اعتقاد من یک تکرار خوشایند است». در ادامه، سینا جعفریه، مدیر این گالری، با بیان اینکه دغدغه او معرفی هنرمندان جوان و به‌خصوص هنرمندان شهرستان‌هاست، گفت: «ما می‌خواهیم از استادان دانشگاه‌ها نیز کمک بگیریم تا از این طریق بتوانیم هنرمندان جوان و ظرفیت شهرستان‌ها را بشناسیم». او همچنین یکی از برنامه‌های آینده این‌س گالری را تعویض هنرمند با Exchange Artist معرفی کرد: «با گالری‌هایی در لندن، پاریس و دوبی مذاکره کرده‌ایم تا ضمن نمایش آثار هنرمندان آنها، هنرمندانی که با گالری ما همکاری می‌کنند، آثارشان در این گالری‌ها به نمایش گذاشته شود. بعد از آن در نظر داریم شعبه ثالث را هم در این سه شهر تأسیس کنیم». مهدی متین‌صادقی، معمار این گالری، نیز عنوان کرد که مهم‌ترین چالش در طراحی این مکان این بود که ضمن ارائه یک المان هنری، آثار هنرمندان به بهترین نحو نمایش داده شود تا آلمان‌های هنری با کار هنرمندان نتواند تضاد نداشته باشد.زرتشت رحیمی، دیگر هنرمند شرکت‌کننده در این نمایشگاه، مخاطبان گالری ثالث را خاصه تفاوت این گالری با دیگر گالری‌ها دانست. مراسم افتتاح گالری ثالث با پربانی نمایشگاه «وات د پاپ» از ساعت ۱۶ الی ۲۱ روز جمعه، ۳۰ بهمن به نشانی خیابان کریمخان‌زند، بین ایرانی‌شهر و ماهشهر، شماره ۱۴۸ برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای دیدن نمایشگاه می‌توانند هم‌ه‌روزه از ساعت ۹ الی ۲۱ و روزهای جمعه از ساعت ۱۶ الی ۲۱ به گالری مراجعه کنند.